

باید یک کمیته واسط میان حاکمیت و جوانان ایجاد شود

فاطمه راکعی، فعال حوزه زنان در
گفتوگو با «اعتماد» از راهکارهای
اجرایی برای عبور از چالش اخیر
می‌گوید

بحران درك نشدن سبك زندگي

گروه سياسي

ریشه مشکلات اخیر از کجا نشات گرفته است؟ برای آگاهی از ریشه مشکلات اخیر جست‌وجوهای تحلیلی را تا کجا باید امتداد داد؟ بسیاری معتقدند، ریشه بحران اخیر را باید در سال 1400 و یکدست شدن قدرت دنبال کرد. گروهی دیگر اما می‌گویند دامنه ارزیابی‌ها را باید تا ابتدای دهه 70 و شکل‌گیری برخی تفکرات افراطی در کشور امتداد داد. جماعتی دیگر از تحلیلگران اما از ایجاد يك تعارض جدی از ابتدای انقلاب سخن می‌گویند. تعارضی که از ابتدای شکل‌گیری ایده جمهوری اسلامی مطرح و باعث شد تا نظام وارد يك تعارض گسترده میان «سنت و مدرنیسم»، «اسلام و جمهوریت»، «دین و حکومت»، «فرهنگ شهری و روستایی» و... شود. تعارضی که هرچند در دهه ابتدایی پس از انقلاب به دلیل حضور شخصیت کاریزماتیک امام(ره) ظهور و بروز عینی پیدا نکرد، اما در دهه‌های پس از آن ابهامات فراوانی را شکل داد و مشکلاتی را ایجاد کرد. تعارضاتی که وجود قرائت‌های افراطی از دین و تشکیل حکومت اسلامی بر آن افزود و مشکلات را به جایی رساند که در سال 1401، تحلیلگران از درك نشدن سبك زندگي دهه هشتادی‌ها توسط سیاست‌گذاران سخن می‌گویند. در يك چنین شرایطی «اعتماد» دامنه گفتوگوهای تحلیلی خود را تا دفتر فاطمه راکعی گسترش داده تا درباره همه این تعارضات، زمان شکل‌گیری و راه‌های عبور از آنها گفتوگو کند. راکعی که معتقد است باید کلامان را برای جوانان دهه

هشتادی و سایر جوانان از سربرداریم راهکار عبور از بحران را تشکیل يك كمیته ویژه با حضور دلسوزان و صاحبان نظران میداند که بتوانند در خصوص موضوعات اصلی کشور و مطالبات جوانان نقش يك حلقه واسط میان جوانان و حاکمیت را بازی کنند.

بسیاری معتقدند مشکلات اخیر ایران ناگهانی ایجاد نشده‌اند و به صورت تدریجی در يك روند مستمر شکل گرفته‌اند، شما چه نظری دارید؟

آنچه امروز پیداست، ریشه‌اش در گذشته است. برای درك آنچه این روزها در زیر پوست جامعه جریان دارد باید به روزهای ابتدایی انقلاب و موعد تشکیل جمهوری اسلامی باز گردیم. از بدو پیروزی انقلاب و تعریف جمهوری اسلامی، گروه‌هایی در کشور وجود داشتند که خواستار حکومت اسلامی بودند. همان زمان برخی معتقد بودند که جمهوریت نیازمند لوازمی است که ممکن است با ساختار فعلی امکان تحقق نداشته باشد و در آینده کشور را دچار مشکل کند. اما به خاطر شخصیت کاریزماتیک امام(ره) و امیدی که همه دلسوزان انقلاب داشتند، همگی تصور می‌کردیم که ابهامات رفع می‌شوند. در شرایطی که امام معتقد بودند جمهوری اسلامی نه يك کلمه بیش و نه يك کلمه کم باید باشد، آرام‌آرام از دهه 70 جریاناتی در کشور شکل گرفتند که تلاش کردند ساختار نظام را به سمت اسلامیت محض و کاستن از حجم جمهوریت پیش ببرند. در این مسیر گزاره‌هایی مانند نظارت استصوابی و وظیفه ایجاد نقشه راه سیستماتیک این مسیر را به عهده گرفتند. این تعارضات از دهه 70 شکل گرفت و برجسته‌تر شد تا جایی که امروز با نسلی مواجه شده‌ایم که نه فقط توانایی درك این تعارضات را دارند، بلکه تلاش می‌کنند يك بار برای همیشه این تعارضات را حل کنند. نسلی فهیم، دانا و دارای پشتکار که خواستار شفافیت و به رسمیت شناخته شدن سبک زندگی خود است.

اجازه بدهید، مرحله به مرحله پیش برویم، از دهه 70 صحبت کردید و تلاش فکری برخی جریانات محافظه‌کار برای تغییر گفتمان انقلاب از جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی. اما در دوم خرداد 76، یکی از نمادهای برجسته جمهوریت نمایان شد. چرا جناح راست و تندروها قبلاً در برابر احتمال شکل‌گیری جنبش اصلاحات، پیش‌بینی‌های لازم را ترتیب ندادند؟

دوم خرداد يك رخداد غیر مترقبه برای جریان راست بود. آنها تصور نمی‌کردند که اراده مردم اینگونه ظهور و بروز پیدا کند. جناح راست آماده جشن پیروزی بزرگ خود و یکدست شدن ساختار قدرت بود. ریشه دوم خرداد اما همان گفتمان امام(ره) در پاریس بود. امام در پاریس از مشارکت مردم، آزادی‌های سیاسی، آزادی مطبوعات، مدارا و حکومت

مردم و... صحبت می‌کردند. دوم خرداد نیز همان گفتمان را حمل می‌کرد. اما در نقطه مقابل جریان‌اتی در کشور صاحب نفوذ شده بودند که قرائتی دور از ذهن مردم ایران از اسلام ارایه می‌کردند که برای يك کشور دارای اقوام مختلف، ادیان گوناگون و طیف‌های فکری متفاوت قابل قبول نبود. اصلاحات اما بر شایسته‌سالاری تاکید داشت و مبتنی بر این قرائت نیز تلاش کرد تا عملکرد اقتصادی و سیاست خارجی کشور را ارتقا دهد. از ایران برای ایرانیان صحبت می‌کرد و ادیان مختلف را ارج می‌نهاد. آقای خاتمی مروج يك اسلام رحمانی بودند. جالب اینجاست در این دوره از دل توجه به ظرفیت‌های درونی کشور، اصلاحات یکی از بهترین عملکردهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... را ارایه کرد. این روند اما ادامه پیدا نکرد و باز هم طیف‌های افراطی تلاش کردند سیطره خود را بر نهادهای تصمیم‌ساز کشور تثبیت کنند. ابتدا نشست‌های سخنرانی چهره‌های اصلاح‌طلب را به هم می‌زدند و خشونت به خرج می‌دادند، بعد همین افراد به پست‌های مهم مدیریتی در دولت اصولگرا رسیدند.

شما از اصلاح‌طلب و اصولگرا سخن می‌گویید اما برخی می‌گویند این دوگانه امروز موضوعیت خود را از دست داده و جوانان از اصلاح‌طلب و اصولگرا عبور کرده‌اند. واقعا این گونه است؟

اتفاقا این نسل بسیار باهوش است و فرق خادم و خائن را به خوبی می‌داند. مساله اصلی، اصلاحات است نه اصلاح‌طلبان. باید میان این دو گزاره، تفاوت قائل شویم. بدون تردید، اصلاح‌طلبان هم اشتباهاتی داشته‌اند که می‌توان آنها را نقد کرد. اما اصلاحات يك گفتمان است. امروز جوانان کشور شعارهایی را می‌دهند که برآمده از درك بالای آنهاست. معتقدم نسل جدید به اندازه‌ای آوانگارد عمل می‌کند که آینده کشور را روشن می‌سازند. ریشه مطالبات نسلی جدید مصلحانه است.

نتیجه قرائت طرف مقابل در حوزه‌های عمومی چه بود؟

نتیجه گفتمانی که محافظه‌کاران در کشور داشتند، هم مبرهن است. بسیاری از مشکلات امروز کشورمان نتیجه عملکردی است که در دوران احمدی‌نژاد ثبت شد. قطعنامه‌های پی‌درپی سازمان ملل و شورای امنیت محصول این گفتمان است. بیش از 800 میلیارد دلار در این بازه زمانی کسب شد، اما این ثروت عظیم به جای توسعه کشور، صرف امور بی‌اهمیت شد. در این دوره تلاش شد زمینه ظهور قرائت‌های افراطی از دین فراهم شود. استارت شکل‌گیری گروه‌هایی مانند آبادگران، رایحه خوش خدمت و نهایتا جبهه پایداری در این دوران زده شد. رییس‌جمهوری وقت رسماً به دیگران تهمت دروغ می‌زد در چشم مردم نگاه و اظهارات کذب را مطرح می‌کرد. پوپولیسم ریشه گرفت و در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و...

عملکرد نامناسبی ثبت شد عملکردی که مشکلات آن هنوز هم در کشور پیداست. فردی این جریان را تغذیه فکری می‌کرد که معتقد بود اساساً رای مردم اهمیتی ندارد و اقلیتی محدود می‌توانند برای اکثریت تصمیم بگیرند. این تصمیمی دقیقاً در نقطه مقابل رهنمودهای امام(ره) بود. این قرائت معتقد است که تنها قرائت درست از دین همان قرائتی است که آنها ارائه می‌کنند و اگر کسی با آن قرائت مخالفت کند به معنای ارتداد و کفر و... است. مبتنی بر این دیدگاه هدف مقدس، استفاده از هر وسیله‌ای را توجیه می‌کند. مبتنی بر این نظر بود که محمود احمدی‌نژاد پرونده‌ای در دست می‌گرفت و به اسامی افرادی در جیب خود اشاره می‌کرد.

فکر می‌کنم منظور شما شاگردان آقای مصباح بودند که جبهه پایداری امروز خود را برآمده از اندیشه‌های ایشان می‌دانند.

بله؛ آقای مصباح تئوریسین اصلی این جریان فکری بودند. این جریان در دهه 70 ایده‌های خود را همراه با احتیاط مطرح می‌کردند در دهه 80 اما این طیف به روشنی موضوعات مورد نظر خود را اعلام می‌کردند. همان طور که گفتم جبهه پایداری در دوره احمدی‌نژاد ظهور کرد. بر اساس دیدگاه‌های این جریان می‌توان دروغ گفت، ملت را خس و خاشاک خطاب کرد و رفتارهای مردم‌فریبانه داشت. به قدری در این مسائل پیش رفتند که حتی در سر سفره‌های خود یک ظرف برای امام زمان کنار می‌گذاشتند. انحراف برخی افراد این جریان به اندازه‌ای جدی شد که در آینده طرفداران با نفوذ این جریان از آنها تبری جستند.

گفته می‌شود آقای مصباح اعتقاد داشتند برای یک هدف مقدس (مثلاً حفظ نظام) می‌توان از روش‌های غیرمتعارف (رفتارهای خشن و...) نیز بهره برد. این ایده بنیادین تا چه اندازه در قدرت گرفتن جبهه پایداری اثرگذار بود؟

در نخستین روزهای انقلاب یکی از انتقاداتی که از مجاهدین یا چریک‌های فدایی می‌شد، این بود که برای اینها هدف وسیله است. این رویکرد برای مردم ایران غیر قابل قبول نبود. اتفاقاً در جریان مذاکرات مجلس خبرگان نیز در این زمینه بحث‌هایی صورت گرفت که بزرگان کشور اجازه ندادند برای رسیدن به هدف مناسب از روش‌های غیر مناسب بهره برده شود. هم امام(ره) و هم مقام رهبری در این زمینه معتقد به رفتارهای اخلاقی بودند. اساساً ریشه همه مذاهب اخلاق و رفتار درست و انسانی است. همان طور که امام علی(ع) می‌گوید «آنچه را برای خود می‌پسندید برای دیگران هم بپسندید و آنچه را برای دیگران نمی‌پسندید برای دیگران هم نپسندید.» این یکی از تعارضات پارادوکسیکالی است که برخی شاگردان آقای مصباح با آن دست به گریبان هستند و خوب است در خصوص آن روشن‌گری کنند.

با عبور از این دیدگاه‌ها برای عبور از چالش‌های پیش روی کشور چه باید کرد؟

معتقدم حتی برای عذرخواهی هم دیر شده است. اگر در روزهای ابتدایی پس از بروز بحران عذرخواهی می‌شد و اصلاحات لازم صورت می‌گرفت، نتیجه بخش بود، اما امروز باید به اقدامات دیگری دست زد. در وهله نخست معتقدم باید زمینه کنشگری جوانان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... فراهم شود. در مرحله بعدی باید کمیته‌ای با حضور چهره‌های مورد وثوق مردم تشکیل شود که زمینه اصلاح برخی نارسایی‌ها را فراهم سازند. کمیته‌ای با حضور سیدمحمد خاتمی، اساتید دانشگاهی، فعالان حوزه زنان و... حتی نمایندگان دهه هشتادی‌ها باید در این کمیته حضور داشته باشند تا بتوانند مطالبات خود را دنبال کنند. اصلاحات تلاش می‌کند این روند شکل بگیرد. این کمیته در شمایل حلقه واسط مطالبات نسل‌های جوان‌تر، زنان و... را به تصمیم‌سازان منتقل می‌کند. از سوی دیگر با حل مشکل رداصلحیت‌ها می‌توان امیدوار بود که نمایندگان واقعی مردم در نهادهای تصمیم‌ساز حضور داشته باشند. در غیر این صورت حتی در صورت عبور ظاهری از مشکلات باید منتظر امواج بعدی اعتراضات در کشور باشیم.

□□□□□□□□ □□□□ 10 □□□□□□ □□□□□□□□ □□□□□□□□ 1401 □□□□□□□□